**فقیرمحمد ودان**

**مؤرخ:25 فبروی 2015**

**افغانستان در آزمون دیگرگونی های روان استراتیژیک**

**ـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ**

**درین روزها از جو وضعیت سیاسی افغانستان و فضای پیرامونی آن، دیگرگونی های گمان برده میشود که در صورت تبارز استعداد و توانایی در سهمگیری جهت مدیریت درستِ پروسۀ انکشاف آن، افغانستان از کشور قربانی استراتیژیهای پلان شدۀ قدرت های بزرگ تاثیرگذار، ناگزیر بسوی شریک استراتژیکی آنان در منطقه و یا هم در صورت عدم تبارز کفایت، با بلند دستی پاکستان در چنین موقعیتی، به مامور تطبیق این پروژه ـ گام بردارد .**

**این استراتیژی دسترسی به کدام اهداف را در نظردارد؟**

**بر اساس یک سند افشا شدۀ وزارت خارجۀ ایالات متحدۀ امریکا تحت عنوان«سیاست امریکا در افغانستان: مسابقه ها و راه های حل» که در جولای سال 1999 از جانب مرکز تحقیقاتی بنام «افغانستان فوندیش» و بوسیلۀ 60 نفر از متخصصین افغانستان شناس، بشمول زلمی خلیلزاد تهیه گردیده، درین زمینه اذعان میدارد که:«افغانستان به ذات دارای موقعیت حیاتی جیوـ استراتیژیک بوده در مجاورت مناطق بحرانی و فاقد استقرار از قبیل خلیج فارس و سرحدات بین هند و پاکستان قرار دارد. در واقع، اهمیت افغانستان در طی سالهای آینده هنگامی بیشتر خواهد شد که ذخایر تیل و گاز آسیای میانه که برابر با ذخایر بحر شمال تخمین می شود، رول بزرگ اقتصادی خود را در مارکیت انرژی جهان آغاز نماید. افغانستان کوریدور با ارزشی برای این ذخایر انرژی و همچنین برای دسترسی به مارکیت های آسیای مرکزی شده میتواند. افزون بر آن افغانستان میتواند رول ملحق ساختن تجارت بین جنوب آسیا و آسیای میانه را بازی کند»( 1 )**

**مطابق به سند فوق الذکر، ایالات متحدۀ امریکا در رابطه به موقعیت خویش طی پروسۀ تعمیل استراتیژی تعریف شده برای افغانستان، معتقد است که:«امریکا باید سعی نماید همکاری منطقوی را ازطریق ابتکارات چند جانبه و ذعامت مستقیم ایجاد نماید». در عین حال همین سند تاکید دارد که:«پاکستان باید بپذیرد که نمیتواند افغانستان را کنترول کند» و درین زمینه روشن میسازد که:«در برابر امتناع احتمالی پاکستان از این روش، امریکا باید... از هرنوع چوبکاری و کوبیدن کار بگیرد تا پاکستان را به اهمیت افغانستان برای امریکا ملتفت گرداند»، در عین حال «واشنگتن ... باید دولت چین را قانع سازد تا از نفوذ خود بالای پاکستان کار گرفته، پاکستان را وادار سازد تا از حمایت طالبان بکاهد. بیجینگ از نفوذ قابل ملاحظه یی بالای اسلام آباد برخوردار است». در استقامت رهنمودهای همین سند، اهمیت توجه به افغانستان طی ماهای اخیر به خاطری هم بیشتر گردیده که از یک طرف فدراتیف روسیه ـ که با تبدیل افغانستان به «کوریدور» تعریف شده مخالف است ـ در برابر انکشافات اوکراین به مخالفت برخاسته و از جانب دیگر جمهوری اسلامی ایران ـ کشور دیگر مخالف با وضعیت استراتژیک تعریف شده به افغانستان ـ در مذاکرات اتومی با امریکا مقاومت نشان میدهد .**

**گذار افغانستان به چنین موضعی که می باید پروسۀ آن از همان آغاز ماموریت حامد کرزی (به تعقیب کنفرانس اول بن) رویدست گرفته میشد، از یک طرف بنابر فقدان درک رهبری سیاسی آن زمان افغانستان از ابعاد این ماموریت و تمایل شخص حامد کرزی به رشد، تشکل و تسلط حلقات مافیایی ـ جهادی بر ساختارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور و از جانب دیگر همان طوریکه در سند رهنمودی استراتیژیک وزارت خارجۀ ایالات متحدۀ امریکا پیشبینی گردیده بود، به علت مقاومت «عناصری در اردوی پاکستان، مقامات آی. اس. آی سازمان استخبارات پاکستان، موسسات غیر حکومتی و مذهبی پاکستان»، با موانع مواجه گردید. اینک با تضعیف مقاومت ها در پاکستان و ورود «حکومت وحدت ملی» بر سریر قدرت در افغانستان، «ابتکارات چند جانبه» برای دستیابی به تفاهمات بین المللی و منطقوی با سفر «حج عمره» رئیس جمهور اشرف غنی آغاز، با سفرهای او به انگلستان، جمهوریت مردم چین، پاکستان، قطر، انگلستان، احتمالاً در آیندۀ قریب به هندوستان ادامه یافته و با دستیابی به نتایج نهایی طی سفر او به ایالات متحدۀ امریکا، وارد مرحلۀ فعالتر اجرایی گردد .**

**همچنان گفته می شود که یکی از اهداف سفر اخیر اوباما رئیس جمهور ایالات متحدۀ امریکا به هند، سفر وزیرداخله پاکستان به ایالات متحدۀ امریکا، سفر هیئت از اعضای دفتر طالبان در قطر به جمهوری مردم چین و ورود رئیس همین هیئت از قطر به اسلام آباد، همه در محور تفاهمات جهت همین دگرگونی ها صورت گرفته اند .**

**مشخصات تبارز تعاملات درونی شکل گیری وضعیت جدید کدام ها اند :**

**ـ «قانع» شدن «دولت چین» جهت همکاری و تامین تفاهم با محور عربستان سعودی، قطر و ترکیه درین پروسۀ .**

**ـ تبارز آمادگی ـ اگرچه صرف در تعهدات لفظی امیدوار کنندۀ توأم با مانورهای مشکوک ـ رهبران دولتی و بخصوص رهبری نظامی پاکستان جهت همکاری در کشانیدن «طالبان» به میز مذاکره با دولت افغانستان .**

**ـ تبارز حسن نیت عملی رهبری افغانستان نسبت به پاکستان با فرستادن گروپ محدود محصلین نظامی جهت تحصیل به پاکستان، امضای قرارداد ارسال محصلین عرصه های غیر نظامی افغانی به پوهنتون لاهور و از همه مهمتر تعلیق قرارداد اکمالات نظامی با دولت هند .**

**ـ تبارز سریع و در حال گسترش گروهای داعش در ولایات مختلف افغانستان بمثابه افزاری در حیطۀ «ابتکارات چند جانبه»، به هدف «چوبکاری و کوبیدن» نیروهای داخلی و منطقوی یی که «به اهمیت افغانستان برای امریکا ملتفت» نگردیده اند. درین زمینه است که اظهارات رئیس امنیت ملی افغانستان آقای رحمت الله نبیل مبنی بر اینکه:«از نگاه استخباراتی، در افغانستان بر داعش حاکم استیم»، مصداق خویش را تثبیت مینماید .**

**ـ دستپاچکی و عکس العمل توأم با عصبانیت و ابراز نارضایتی حلقات شاخص مافیایی ـ جهادی داخلی، نیروی که طی سالهای رهبری حامد کرزی به «به اهمیت افغانستان برای امریکا ملتفت نگردیده» بودند و شواهد نشان میدهند که هنوز هم برخی از آنان بنابر برخی «روابط»، کمتر حاضر خواهند شد تا درین زمینه «ملتفت» شوند .**

**دیگرگونی وضعیت سیاسی و آغاز عملی پروسۀ تلاش برای دستیابی به اهداف تعیین شده، در چگونگی سه اصل ذیل جنجال برانگیز است : 1-ــ اصل کلی تثبت افغانستان در جایگاه تعریف شده درین استراتیژی .**

 **فدراتیف روسیه و جمهوری اسلامی ایران درین زمینه به مخالفت پرداخته و در آینده نیز گمان نمی رود به سادگی و «بدون چوبکاری و کوبیدن» دست از مخالفت بردارند .**

 **2 ــ ذعامت مستقیم ایالات متحدۀ امریکا در پروسۀ تحقق استراتیژی و استقامت دادن انکشافات درین پروسه بوسیلۀ آن کشور. درین زمینه دولت چین در یک رقابت آرام و خزندۀ اقتصادی، سیاسی و استخباراتی عمل خواهد نمود. به همین علت است که ایالات متحدۀ امریکا بخاطر تامین «ذعامت» خویش بر مدیریت انکشافات مورد نظر منطقوی، تلاش نموده روابط نزدیک تری با دولت هند ـ رقیب منطقوی جمهوری چین ـ ایجاد نماید .**

**3 -ــ نقش و جایگاه افغانستان بحیث شریک استراتژیک، مسئله دیگر مورد مناقشه است که پاکستان با آن مخالفت نموده، در عوض تدوام و تقویت جایگاه خویش را در چنین موقعیتی در نظر داشته و علاقمند است موقف افغانستان را به سطح مامور اجرایی درین پروسه، تنزیل دهد. جمهوری هند در مخالفت شدید با پاکستان، با تلقی عقب زدن رقیب، مانند ایالات متحدۀ امریکا از انکشاف و ارتقای نقش افغانستان بمثابه شریک استراتژیک، حمایت خواهد نمود .**

**تلاش هریک از نیروهای فوق الذکر بخاطر دستیابی به اهداف و منافع شان درین میدان مبارزه و رقابت است که روند تحقق استراتیژی متذکره را هرچه بیشتر پیچیده ساخته و گذار آرام تحقق آن را با خطرات عینی مواجه میسازد. با توجه به همین پیچیدگی و خطرات ناشی از آن است که بیش از همه دراکیت، کفایت و شجاعت سیاسی کادر رهبری افغانستان را می طلبد تا بخاطر تامین حد اکثر ممکن منافع ملی عمل نمایند. رهبران «حکومت وحدت ملی» ملتفت خواهند بود، که انکشاف اوضاع هسته های احتمالات سوق کشور به اوضاع ذیل را در خود نهفته دارد :**

**1 ــ قرار گرفتن افغانستان در جایگاه طبیعی ناشی از اهمیت جغرافیایی استراتیژیکی و اقتصادی ـ استراتیژیکی خویش بمثابه یک طرف با اهمیت شریک .**

**2 ــ برجسته شدن غیر طبیعی پاکستان در چنین موقعیتی به قیمت عقب نشاندن افغانستان در موقعیت مامور اجرایی .**

**3 ــ کشانیدن و سوق افغانستان بسوی موج دیگر و شدید تر یک بحران یک بحران دیگر توأم با خونریزیها، ویرانی ها تا سطح خطر صدمات جدی به وحدت ملی و حتی تمامیت ارضی کشور .**

 **انکشاف بعدی اوضاع نشان خواهد داد که آیا رهبری «حکومت وحدت ملی» میتواند چنین توانایی را تبارز دهد تا کشور را در جایگاه طبیعی آن قرار دهد؟**

**یادداشت :**

 **1ــ در صورت علاقمندی به مطالعۀ رؤس اساسی محتویات این سند، تحلیل، توضیح و نتیجه گیری ها از آن، به کتاب: مصالحۀ ملی اندیشۀ سیاسی گذار از فرهنگ جنگ به فرهنگ صلح، از نویسندۀ این مضمون، فصل نهم، عنوان فرعی: اهداف استراتژیک ایالات متحدۀ امریکا در افغانستان و تهدید های متقابل، صفحات 342 ـ 366 مراجعه شود .**